

The Relationship Between the Government Budget and the Socio-economic Development of the Country's Provinces

Mohamad Farhadi * 

Assistant Professor of Sociology, Razi University, Kermanshah, Iran.

Neda Miri 

PhD in Economics and Freelance Researcher.

1. Introduction

Development is a multi-dimensional category due to the various elements that consist, and the observance of regional justice and balance is considered as one of its central components. Paying attention to the dimensions of the problem has placed the concept of sustainable development in the center of development discussions to analyze inequality, balance and compatibility with the natural and socio-cultural environment.

In Iran, based on political and social coordinates, balanced development is one of the necessities of governance, and fair budget allocation is the legal responsibility of all governments. Based on this, the main issue of this letter is to evaluate the criteria of capital budget allocation to the provinces. Having said that, the main question of the research is whether the coordinates of balanced distribution are observed in allocating the budget to the provinces? What is the main criterion of budget distribution in the country and what is the optimal method of capital budget distribution?

2. Literature Review

Reflections on the dimensions and level of development of countries turned macro-economic and political issues into mail discuss. Regardless of the technical differences of regional development theories, all of them can be categorized under two main approaches. Neoclassical approach and Neo-Keynesian approach. The neoclassical theory explains the difference in the economic status of the regions with

* Corresponding Author: ma.farhadi@razi.ac.ir

How to Cite: Farhadi, M; Miri, N. (2024). Government Budget and socio-economic development in Iran Provinces, Journal of *Social Development and Welfare Planning*, 14(56),173-203.

the inefficiency of the labor force, the inflexibility of the market, the lack of work culture and entrepreneurship, and the intervention of the government, and they consider deregulation, privatization and downsizing of the government as the solution for regional development (Pike et al, 2006; 68).

In neo-Keynesian approach, the reason for the difference in the development of regions is deregulation and market liberalization, limited investment, capital draining to developed regions and non-interference of the government, and the solution is public investment in infrastructure by the government, specific regional aid, decentralization of decisions based on regional characteristics and automatic assistance (Ibid, 76).

In short, the theoretical approach of this article relies on balanced development and its historical and empirical foundations. Balanced development, which is part of the concept of sustainable development, has been justified and explained in different theories. It was due to the sufficiency of the discussions in this duality that the balanced development of the regions of the country became the legal duty of the governments, and based on that, this article examines the real and rightful position of the provinces in the budget allocation.

3. Methodology

The method of this research is based on taxonomy. Taxonomic analysis is used for different classifications in science. Its special type is numerical taxonomy, which is the numerical evaluation of similarities and closeness between taxonomic units and the grading of those elements into taxonomic groups (taxon). The taxonomy method is able to divide a set into more or less homogeneous subsets and is therefore a suitable method for ranking different regions based on their level of development. In this article, social, economic, health and medical, educational and cultural indicators were used, then the development index of each province was calculated and the rank of that province was reported.

4. Results

The results of the research indicate that the 4 developed provinces of the country (with a development index less than 0.7) are Tehran, Gilan, Mazandaran and Qazvin respectively. The three deprived provinces of the country (with a development index greater than 0.9) are Sistan and Baluchistan, Hormozgan and Kerman respectively. A look at the distribution of government credits and its rank in the three most deprived provinces of the country shows that all three provinces have a per capita (government) credit rank lower than their eligibility rank to receive government credits. The ranking of government credits for the three deprived provinces of Sistan

175 | The Relationship Between the Government ..., Farhadi & Partners

and Baluchistan, Hormozgan and Kerman is 6, 10 and 12, respectively, while considering the existence of the most deprivation in these provinces, the government should have allocated the highest government credits to these provinces. In other words, these provinces have the right to receive the 1, 2, and 3 ranks of government credits. The present research, while confirming the existence of a deep development gap between the provinces of the country, it emphasizes that the government's method of distributing credit among the country's provinces (in the manner distributed in 2019) will not only lead to the reproduction of unbalanced development and discriminate among the country's provinces, but will also deepen the development gap between different regions of the country.

5. Conclusion

One of the budget traps that should be emphasized in Iran is the effect of the population in creating a systematic bias in the distribution of the budget. Usually, more population attracts more funds, and this issue leads to attracting more population and turns the fair allocation of funds into its opposite. It can be said that this situation is part of the unintended consequences of budget allocation based on population in the country, which requires sociological and economic analyzes to control these hidden consequences.


Keywords: Government Budget, Balanced Development, Numerical Taxonomy, Equal Allocation, Justice.




فصلنامه علمی برنامه‌ریزی رفاه و توسعه اجتماعی
دوره چهاردهم، شماره ۵۶، پاییز ۱۴۰۲، ۲۰۳-۱۷۳
qjssd.atu.ac.ir
DOI: doi.org/10.22054/qjssd.2022.65870.2309

رابطه بودجه دولتی و توسعه اقتصادی-اجتماعی استان‌های کشور

استادیار جامعه‌شناسی دانشگاه رازی، کرمانشاه، ایران.

محمد فرهادی * 

دکتری اقتصاد و پژوهشگر آزاد.

ندا میری 

چکیده

مسئله مرکزی مکتوب حاضر مطالعه نسبت بودجه سرمایه‌ای دولت با سطح توسعه استان‌های کشور است. از این منظر با مرور معرفی بنیان‌های مفهومی، اهمیت توسعه متوازن منطقه‌ای توجه می‌شود. معیارهای تخصیص بودجه در کشورهای مختلف مرور شده و گونه مناسب کشور ایران معرفی می‌شود. روش مطالعه تاکسونومی و طبقه‌بندی وضع موجود بر اساس شاخص‌های ساخته شده از داده‌های موجود است. با ترکیب شاخص‌ها رتبه توسعه‌ای هر استان استخراج شده و رتبه استحقاقی آن از بودجه سرمایه‌ای نیز محاسبه می‌شود. نتیجه تحقیق حاکی است، تخصیص بودجه سرمایه‌ای استانی بر اساس میزان توسعه‌نیافتگی استان‌ها نبوده و فرایند بودجه در ایران در جهت کاهش نابرابری و شکاف منطقه‌ای نیست. در کنار سایر عوامل از جمله مختصات منطقه‌ای، بودجه نقش مهمی در توسعه زیرساخت و جذب سرمایه‌گذاری و تشکیل بازار منطقه‌ای دارد. توسعه متوازن که ضامن ثبات و امنیت است مستلزم تخصیص برابانه بودجه به عنوان ضرورت ملی و تکلیف قانونی دولت است.

واژه‌های کلیدی: بودجه دولتی، توسعه متوازن، تاکسونومی عددی، تخصیص برابر، عدالت.

* نویسنده مسئول. M.farhadei@gmail.com

طرح مسئله

توسعه متوازن به هدف غایی و نهایی تمامی سیاستمداران و برنامه‌ریزان اقتصادی کشورها تبدیل شده است (Shankar & Shah, 2013: 2). توسعه به اقتضای عناصر متنوعی که ذیل آن قرار می‌گیرند مقوله‌ای چندبعدی است که رعایت عدالت و توازن منطقه‌ای از مؤلفه‌های مرکزی آن محسوب می‌شود. توجه به ابعاد مسئله، مفهوم توسعه پایدار را برای تحلیل نابرابری، توازن و سازگاری با محیط‌زیستی و فرهنگی-اجتماعی در مرکز مباحث توسعه قرار داده است.

در کشورهای پیرامونی دولت کارگزار اصلی توسعه است که از رهگذر سیاست‌گذاری و تخصیص بودجه، میزان و سمت‌وسوی توسعه یک منطقه را تعیین می‌کند. ایران نیز کشوری وسیع با مناطق جغرافیایی متنوع است که تفاوت‌های جمعیتی، فرهنگی و اجتماعی زیادی با هم دارند. این تفاوت‌ها در کنار ساختار دولت در ایران به توسعه ناهمگون در مناطق مختلف منجر شده است که خطری برای توسعه کشور محسوب می‌شود و می‌تواند توسعه را به ضد خود بدل کند. جابجایی‌های جمعیتی و مواجهه فرهنگی و اجتماعی یکی از پیامدهای مخاطره‌آمیز توسعه نامتوازن در کشور است. از این منظر مطالعه عوامل توسعه نامتوازن از ضرورت‌های فوری ایران محسوب می‌شود. از میان عوامل متعددی که تفاوت توسعه مناطق کشور را پدید آورده یکی هم بودجه دولتی است که به استان‌های کشور اختصاص می‌یابد.

تخصیص بودجه دولتی برای تحریک توسعه در مناطق یک کشور مسئله مهمی در مباحث اقتصادی است که توجه متفکران اقتصادی و اجتماعی را به خود جلب کرده و به نقطه تلاقی علوم اقتصاد، سیاست، جامعه‌شناسی و حتی فلسفه بدل شده است. دولت سالیانه بودجه هر استان را در لایحه پیشنهادی به تصویب مجلس می‌رساند تا نقش مؤثری در فراهم آوردن زیرساخت‌ها و به راه انداختن فرایند توسعه هر استان ایفا کند. رویکردهای متفاوتی در چگونگی توزیع بودجه وجود دارد که می‌توان آن‌ها را با معیارهای سیاسی و اقتصادی دسته‌بندی کرد (ایزدخواستی، ۱۳۹۸: ۱۳۳ به نقل از: sole-olle, 2013). در ایران

بر اساس مختصات سیاسی و اجتماعی، توسعه متوازن از ضرورت‌های حکمرانی است و به همین دلیل، تخصیص عادلانه بودجه تکلیف قانونی همه دولت‌هاست.

بر مبنای اصل ۴۸ قانون اساسی، دولت مکلف به توسعه متوازن همه مناطق کشور است. این مهم در ماده ۱۸۰ قانون پنجم توسعه (برنامه پنجم توسعه، ۱۳۸۹)، «قانون استفاده متوازن از امکانات کشور و توزیع عادلانه و رفع تبعیض و ارتقای سطح مناطق کمتر توسعه یافته و تحقق پیشرفت و عدالت» (۱۳۹۳) و ماده ۳۱ قانون احکام دائمی برنامه‌های توسعه کشور (۱۳۹۶) تصریح شده و در برنامه‌های توسعه پنج‌ساله و لوایح سالانه بودجه نیز به اشکال مختلف مورد تأکید قرار گرفته است.

بر این اساس مسئله اصلی این مکتوب، ارزیابی معیارهای تخصیص بودجه سرمایه‌ای (عمرانی) به استان‌هاست. در این راستا شاخص‌های مهم مورد مطالعه قرار گرفته تا رتبه توسعه استان با رتبه آن در تخصیص بودجه مقایسه شود. ایده اصلی مقاله این است میان رتبه هر استان در توسعه اقتصادی-اجتماعی با رتبه آن در بودجه تخصیص یافته می‌باید تناسبی برقرار باشد. در نتیجه مقاله از یک سو رتبه توسعه استان‌ها استخراج می‌شود و از سوی دیگر رتبه واقعی و استحقاقی آن‌ها در بودجه کشور محاسبه می‌شود.

بر این مبنای می‌توان معیاری کلان برای تنظیم بودجه استان‌ها به دست داد همچنان که مطالعه نقش دولت در وضع موجود و راهکارهای عبور به وضعیت ایده‌آل توزیع بودجه را معرفی نمود. با این اوصاف سؤال اصلی پژوهش این است آیا مختصات توزیع متوازن در تخصیص بودجه به استان‌ها رعایت می‌شود؟ معیار اصلی توزیع بودجه در کشور چیست و روش بهینه توزیع بودجه سرمایه‌ای کدام است؟

چارچوب نظری (متکای نظری)

توسعه منطقه‌ای و متوازن از دهه ۶۰ میلادی به گفتمان غالب در کشورها بدل شده و باعث تحولات بزرگ در مناسبات سیاسی و اقتصادی گردیده است و سامان حکومت و اقتصاد را مورد بازاندیشی قرار داده و سرمایه‌داری کلاسیک را به انعطاف واداشته است. این

چرخش به تمرکز بر کیفیت بجای کمیت در مباحث توسعه منجر شده و با در نظر گرفتن مناسبات محیط زیست و اجتماع، مفهوم توسعه پایدار را به مرکز توجهات آورده است (Pike et al, 2006: 3).

تأملات در باب ابعاد و سطح توسعه کشورها، مباحث کلان اقتصادی و سیاسی را به محل تقریر نزاع بدل کرد. فارغ از تفاوت‌های تکنیکی نظریات مربوط به توسعه منطقه‌ای^۱، همه آن‌ها ذیل دو رویکرد عمده قابل دسته‌بندی هستند؛ رویکرد نئو کلاسیک و رویکرد نئو کینزی. نظریه نئو کلاسیک، تفاوت مناطق در وضعیت اقتصادی را با ناکارآمدی نیروی کار، انعطاف ناپذیری بازار، فقدان فرهنگ کار و کارآفرینی و دخالت دولت توضیح می‌دهند و مقررات زدایی، خصوصی سازی و کوچک کردن دولت را راه حل توسعه منطقه‌ای می‌دانند (Pike et al, 2006: 68).

در مقابل رویکرد نئو کینزی علت تفاوت توسعه مناطق را مقررات زدایی و آزادسازی بازار، سرمایه گذاری محدود، زهکشی سرمایه به مناطق توسعه یافته و عدم دخالت دولت ارزیابی می‌کنند و مسیر توسعه مناطق را سرمایه گذاری عمومی در زیرساخت‌ها از سوی دولت، کمک منطقه‌ای مشخص، تمرکز زدایی از تصمیمات بر اساس ویژگی‌های منطقه‌ای و کمک خود کار به آن‌ها می‌دانند (Ibid, 76).

با تحولات نظام سرمایه داری و تحقق تاریخی ایده‌های بنیانی این رویکرد که نابرابری از مختصات آن بود، منظر نئو کلاسیک با انتقادات فراوان مواجه شد و رویکردهای رقیب با بازاندیشی توسعه دست بردند. این تغییرات البته زمینه‌های عینی و تاریخی دارد و نابرابری‌های منطقه‌ای بزرگ به شکل تهدیدات سیاسی و اقتصادی درآمده که به تغییرات ژئوپولتیکی نیز انجامیده است. تهدیداتی مانند اعتراضات در مناطق فقیرنشین بولیوی برای بدست آوردن سهم بیشتر، یا تمایلات استقلال طلبانه در مناطق ثروتمند مانند باسک در

۱. شرح مفصلی از این نظریات در فصل دوم کتاب زیر آمده است؛

اسپانیا برای حفظ ثروت خود از توزیع مجدد، از این جمله هستند (Shankar & Shah, 2013: 2).

نابرابری‌های منطقه‌ای بواسطهٔ مختصات تاریخی یک کشور ممکن است به منازعات قومی و نژادی منجر شود. این وضعیت برای کشورهای در حال توسعه حادتر است زیرا نابرابری در آن‌ها ۲ تا ۶ برابر بیشتر از کشورهای توسعه‌یافته است (Ibid). اهمیت توسعهٔ متوازن از آنجا مورد توجه قرار گرفت که با وجود رشد اقتصادی در برخی کشورها، نابرابری مناطق در برخورداری از مواهب رشد، به گسترش نارضایتی و تهدید ثبات سیاسی کشورها انجامید. این وضعیت در نظریات اقتصادی کسانی مانند پریش^۱، و فورتادو^۲ بازتاب یافت. فورتادو با استفاده از مفهوم «پیرامون»^۳ از پریش، رشد اقتصادی کشورهای مرکز را حاصل استثمار منابع کشورهای پیرامونی می‌داند که انتقادی استوار به ایدهٔ رشد اقتصادی بود (Furtado, 2020: v-xii).

این ایده وضعیت توسعه در کشورهای پیرامونی را پیچیده‌تر کرد و به گسترش مباحث مربوط به مناسبات بین‌المللی در توسعه اقتصادی کشورها منجر شد. این بحث به جز اینکه در مقیاس کشور اعمال شد به مناطق فرو ملی نیز سرایت کرد و منجر به تجدید مطلع مباحث توسعهٔ منطقه‌ای شد و تعادل توسعهٔ مناطق یک کشور به مسئلهٔ ملی دولت‌ها بدل گردید. این رویکردها بجای رشد اقتصادی به توزیع عادلانهٔ آن توجه داده و به نقش دولت‌ها در این فرایند تمرکز کردند.

پیشینه پژوهش

مطالعات بسیاری در سراسر جهان در توضیح و تبیین توسعهٔ منطقه‌ای و معیارهای مختلف دولت‌ها در مواجهه با این مسئله انجام شده است. از آن جمله کامادا و همکاران (Kamada

1. Prebisch
2. Furtado
3. periphery

503: 1996) & et al, سرمایه‌گذاری دولت ژاپن برای توسعه مناطق کشور را سیاستی موفق برای توسعه اقتصادی کشور ارزیابی کرده‌اند. رشد سریع اقتصادی ژاپن از دهه ۵۰ تا ۶۰ میلادی مدیون سیاست دولت در توجه به برابری منطقه‌ای بوده است. سرمایه‌گذاری دولت در بخش‌های عمومی از نظر آن‌ها باعث تحریک تقاضا و جذب سرمایه از بخش‌های مختلف در یک منطقه می‌شود که سیاست دولت ژاپن و یکی از علل توسعه شتابان این کشور بوده است.

شانکار و شاه (Shankar & Shah, 2013: 38) در گزارشی برای بانک جهانی سیاست توسعه منطقه‌ای در اروپا را مورد بررسی قرار داده و اهمیت توسعه متوازن برای حفظ ثبات سیاسی و تداوم رشد اقتصادی را لازم می‌دانند. آن‌ها سرمایه‌گذاری در زیرساخت‌ها در کنار افزایش سرمایه انسانی را برای توسعه منطقه‌ای ضروری می‌دانند و از توسعه سخت‌افزاری صرف پرهیز می‌دهند و سیاست امکان رقابت برابر را مهم‌ترین معیار توسعه منطقه‌ای معرفی می‌کنند.

کاستلز و سول‌اوله (Castells & Sole-olle, 2005: 1165) دو معیار اقتصادی و سیاسی دولت‌ها برای توسعه مناطق را مورد بررسی قرار داده‌اند. آن‌ها معتقدند دولت‌ها هم معیار سیاسی برای حفظ پایگاه رأی خود را در اختصاص بودجه به مناطق مدنظر دارند و هم معیارهای اقتصادی کارایی و برابری را لحاظ می‌کنند. در معیار اقتصادی رویکرد کارایی به تولید ناخالص هر منطقه در تخصیص بودجه توجه می‌شود و در معیار برابری، برخورداری عادلانه مناطق بر اساس سطح توسعه مدنظر قرار می‌گیرد. در رویکرد برابری، مناطق کمتر توسعه‌یافته بودجه بیشتری برای زیرساخت‌ها و تشویق سرمایه‌گذاری دریافت می‌کنند. نتیجه تحقیق آن‌ها حاکی از این است که در اسپانیا عوامل سیاسی و توجه به توسعه زیرساخت‌ها، معیار مواجهه دولت با توسعه مناطق مختلف است (Ibid).

ایزدخواستی (۱۳۹۸: ۱۵۰) همین مدل را در این به آزمون کشیده است. نتایج این تحقیق ادعا می‌کند، تخصیص اعتبارات سرمایه‌ای [عمرانی] استانی در ایران، کارایی محور بوده و افزایش تولید ناخالص داخلی سرانه استانی باعث تخصیص بیشتر اعتبارات سرمایه‌ای

استانی شده است (همان، ۱۵۰). رویکرد دولت برابری محور نبوده و افزایش نابرابری منطقه‌ای باعث کاهش نسبت اعتبارات سرمایه‌ای به کل هزینه‌های استانی شده است. همچنین در معیار سیاسی نیز، با افزایش نرخ مشارکت استانی در انتخابات، اعتبارات سرمایه‌ای به کل هزینه‌های استانی افزایش یافته است (همان، ۱۵۱). باید افزود تطبیق آن مدل با شرایط ایران نیازمند تعدیل مدل با شرایط تاریخی و سیاسی ایران است. عقب‌ماندگی تاریخی برخی مناطق ایران باعث طرد آن‌ها از مناسبات سیاسی و به‌طریق‌اولی اقتصادی شده است. این شکاف در ایران با شکاف‌های قومی بار شده و به پیچیدگی مسئله دامن زده است (فرهادی و کاظمی، ۱۳۹۲: ۵۷۱).

رحمانی فضلی و عرب‌مازار (۱۳۹۵: ۷) در تحقیقی معیار تخصیص بودجه سرمایه‌ای به استان‌های ایران را ارزیابی کرده‌اند. نتایج تحقیق آن‌ها حاکی است اختصاص بودجه سرمایه‌ای در ایران برابری محور نیست و استان‌های کمتر توسعه‌یافته، سهم کمتری از بودجه به‌دست می‌آورند. در پایان بر اساس ۱۲ شاخص جمعیت، نرخ مرگ‌ومیر، نرخ بیکاری، ضریب جینی، شاخص وزنی امکانات آموزشی، نرخ باسوادی، نرخ مشارکت اقتصادی، نسبت تولید داخلی استان به کشور، نسبت ارزش افزوده بخش‌های کشاورزی، خدمات و صنعت به کل کشور و شاخص وزنی امکانات بهداشتی، معیاری جهت تخصیص بودجه ارائه کرده‌اند که ادعا می‌کنند به عدالت نزدیک‌تر است. درحالی‌که در این معیار آنها، افزایش مشارکت اقتصادی و تولید ناخالص یکی از مؤلفه‌های تخصیص بودجه است که در وجه عادلانه بودجه تورش ایجاد می‌کند.

ضرابی و شاه‌یوندی (۱۳۸۹: ۱۷) با روش تحلیل عاملی نشان داده‌اند استان تهران با اختلاف زیاد توسعه‌یافته‌ترین و استان‌های سیستان و بلوچستان، ایلام و قم، محروم‌ترین استان‌های ایران هستند. فتح‌الهی و همکاران (۱۳۹۶: ۹۹) با روش تاکسونومی عددی دریافته‌اند استان‌های مرکزی در ایران توسعه‌یافته‌تر از سایر استان‌ها هستند.

جدول ۱- خلاصه مقایسه‌ای پیشینه تحقیق

نویسندگان	مسئله	روش	نتیجه
کامادا و همکاران (Camada & et al, 1996)	توزیع متوازن منابع	مقایسه داده‌ها و تحلیل ثانویه	سرمایه‌گذاری دولت در مناطق مختلف باعث تحریک تقاضا، جذب سرمایه و توسعه متوازن کشور شده است.
شانکار و شاه (Shankar & Shah, 2013)	عوامل ثابت سیاسی	تحلیل داده‌های بانک جهانی	توسعه متوازن ضامن ثبات سیاسی و رشد اقتصادی است.
کاستلز و سول اوله (Castells & Sole-olle, 2005)	معیار توزیع منابع دولت اسپانیا	تحلیل داده‌های موجود	دو معیار سیاسی پایگاه رأی و معیار اقتصادی توسعه زیرساخت‌ها، توزیع منابع را تعیین می‌کنند.
ایزدخواستی (۱۳۹۸)	معیار توزیع منابع دولت ایران	تحلیل مقایسه‌ای داده‌های بودجه‌ای ده‌ساله	توزیع منابع در ایران بر اساس تولید ناخالص استان‌ها بوده و لذا رویکرد دولت برابری محور نبوده است.
رحمانی فضلی و عرب‌مازار (۱۳۹۵)	معیار تخصیص بودجه سرمایه‌ای	محاسبه وضعیت استان‌ها بر اساس ۱۲ شاخص توسعه‌ای از داده‌های موجود	افزایش مشارکت اقتصادی و تولید ناخالص از مؤلفه‌های تخصیص بودجه در ایران است.
ضرابی و شاه‌بیوندی (۱۳۸۹)	سطح توسعه استان‌های ایران	تحلیل ثانویه	تهران با اختلاف زیاد توسعه‌یافته‌ترین استان ایران است که نشان‌دهنده توزیع نابرابر بودجه در ایران است.
فتح‌الهی و همکاران (۱۳۹۶)	رتبه‌بندی توسعه استان‌ها	تاکسونومی عددی	استان‌های مرکزی ایران توسعه‌یافته‌تر از سایر مناطق کشور هستند.
شاداب‌فر و همکاران (۱۳۹۸)	مقایسه شاخص‌های توسعه	مقایسه پس‌رویدادی	استان‌هایی که بعد از انقلاب در توزیع بودجه مورد توجه ویژه بوده‌اند شاخص‌های اقتصادی مطلوب‌تری دارند.
خسروی (۱۳۷۶)	مقایسه سطح توسعه صنعتی استان‌ها	مقایسه داده‌های موجود	وضعیت توسعه صنعتی استان‌ها طی سه دهه بدون تغییر ادامه یافته است.

شاداب‌فر و همکاران (۱۳۹۸:۱۴۷) در مطالعه تملک اعتبارات سرمایه‌ای استان‌ها به این نتیجه رسیده‌اند که استان‌هایی که در سال‌های بعد از انقلاب، از نظر بودجه عمرانی مورد توجه ویژه قرار گرفته‌اند، در حال حاضر از نظر شاخص‌های کلان اقتصادی (تولید ناخالص داخلی، نرخ بیکاری، درآمد مالیاتی) وضعیت مطلوب‌تری دارند.

انور خسروی (۱۳۷۶) در پایان‌نامه‌ای با عنوان تعیین نابرابری‌های صنعتی میان استان‌های کشور در سه مقطع ۱۳۵۳، ۱۳۶۳ و ۱۳۷۳ به این نتیجه رسیده است که طی سال‌های ۱۳۵۳ تا ۱۳۷۳ استان‌های کردستان، سیستان و بلوچستان، آذربایجان غربی، بوشهر و هرمزگان در پایین‌ترین سطح یا درجه توسعه‌یافتگی صنعتی قرار دارند. در مقابل استان‌هایی مانند تهران، اصفهان، گیلان، کرمان و بزد در بالاترین رده توسعه‌یافتگی صنعتی جای گرفته‌اند (خسروی، ۱۳۷۶). این تحقیق نابرابری موجود را که طی سه دهه امتداد داشته است، از منظر مناسبات قومی در ایران توضیح می‌دهد.

نتایج این تحقیقات همدیگر را تکمیل و تأیید می‌کنند. چنانکه به لحاظ تاریخی استان‌های مرکزی از زیرساخت‌های توسعه برخوردارند، بودجه سرمایه‌ای بیشتری جذب می‌کنند و استان‌های کمتر توسعه‌یافته از این چرخه بیرون می‌مانند و محرومیتشان تشدید می‌شود. اما علی‌رغم قوانین متعدد، آنچه در عمل اتفاق می‌افتد در جهت کاهش شکاف توسعه در ایران نیست که عوامل آن از منظر اقتصاد سیاسی قابل تحقیق هستند. تحقیقات مورد بررسی بیشتر به مباحث کلان تخصیص بودجه پرداخته و وضع موجود را توصیف کرده‌اند. تحقیق حاضر علاوه بر توصیف وضع موجود، روشی انضمامی برای تخصیص برابر بودجه سرمایه‌ای به استان‌های ایران پیشنهاد می‌کند که بر مبنای شاخص‌های ساخته‌شده از داده‌های موجود استوار است.

پژوهش حاضر رویکردی به نسبت ساده در تخصیص بودجه پیشنهاد می‌کند که بتواند معیار برابری استان‌ها در برخورداری از بودجه را تأمین کند؛ تخصیص بودجه به ترتیب رتبه استان‌ها در توسعه‌نیافتگی. برای این منظور شاخص‌های مختلف اقتصادی و اجتماعی با رعایت مفروضات ترکیب‌شده و معیاری برای توسعه استان‌ها فراهم آمده است. داده‌های

این تحقیق از اطلاعات مرکز آمار (۱۳۹۹) و اعتبارات استانی شامل اعتبارات هزینه‌ای، تملک دارایی سرمایه‌ای و اعتبارات موضوع قانون استفاده متوازن از امکانات کشور منتشر شده در ماده واحده قانون بودجه سال ۱۳۹۹ کشور استفاده شده است.

برای هدف این پژوهش داده‌های یک سال کافی است زیرا نه به دنبال توضیح امر واقع که معرفی وضع قانونی تخصیص بودجه است. اختصاص بودجه به تناسب سطح توسعه به جز ضرورت‌های حفظ ثبات سیاسی و امنیت، متکی بر رویکرد توسعه برابری مناطق کشور است بعلاوه اینکه تمهید زیرساخت‌های اولیه توسعه از رهگذر بودجه دولتی تکلیف قانونی دولت در ایران است.

به طور خلاصه رویکرد نظری این مقاله متکی بر توسعه متوازن و مبانی تاریخی و تجربی آن است. توسعه متوازن که خود پاره‌ای از مفهوم فربه توسعه پایدار است در نظریات مختلف توجیه و تبیین گردیده است. گروهی از متفکران توسعه در تخصیص بودجه به کارآمدی و تولید ناخالص داخلی استان‌ها تأکید می‌کنند و به همین دلیل توزیع برابر^۱ بودجه را با کلیدواژه مزیت نسبی، نوعی ائتلاف منابع می‌دانند. در مقابل منتقدان تأکید می‌کنند توجه به تولید ناخالص استان‌ها در اختصاص بودجه، بازتولید عقب‌ماندگی برخی مناطق است و آن‌ها را وارد چرخه بی‌پایان محرومیت می‌کند.

برخی استان‌ها به دلیل برخورداری از سرمایه‌گذاری دولت در گذشته اکنون به بارآوری رسیده‌اند و نادیده گرفتن پیشینه تاریخی استان‌ها، تبعیض سیستماتیک است. با کفایت مباحثات در این دوگانه بود که توسعه متوازن مناطق کشور به تکلیف قانونی دولت‌ها بدل گردید. «تبعیض مثبت» از دیگر مفاهیمی است که می‌تواند از این منظر مورد اشاره قرار گیرد. «تبعیض مثبت روشی است که به عنوان ابزار کلیدی سیاست‌گذاری برای جبران تفاوت و [نابرابری] میان گروه‌ها عمل می‌کند. این ابزار کمک می‌کند به برابری بیشتری میان این گروه‌ها برسیم یا لاقلاً شانس برابری برای محروم‌ترین اعضای گروه‌های

۱. بدیهی است مقصود برابری نسبی به فراخور جمعیت، آمایش سرزمین و متکی بر توسعه متوازن است.

مختلف ایجاد کنیم» (فکوهی، ۱۳۸۴: ۱۱۶ به نقل از: Calves, 2004). از این منظر تبعیض مثبت می‌تواند به‌مثابه راهنمای سیاست‌گذاری در توزیع عادلانه بودجه مورد بهره‌برداری قرار گیرد.

روش تحقیق

روش این پژوهش متکی بر تاکسونومی است. آنالیز تاکسونومی برای طبقه‌بندی‌های مختلف در علوم به کار می‌رود. نوع خاص آن، تاکسونومی عددی است که ارزیابی عددی شباهت‌ها و نزدیکی‌ها بین واحدهای تاکسونومیک و درجه‌بندی آن عناصر به گروه‌های تاکسونومیک (تاکسون) است. این روش، به عنوان ابزاری برای طبقه‌بندی و درجه‌بندی توسعه‌یافتگی ملل مختلف در یونسکو مطرح شد. روش تاکسونومی، قادر است تا یک مجموعه را به زیرمجموعه‌های کم و بیش همگن تقسیم کند و بنابراین یک روش مناسب برای رتبه‌بندی مناطق مختلف بر اساس سطح توسعه‌یافتگی آن‌ها است. نوع اطلاعات در این روش وابستگی زیادی به هدف مورد مطالعه دارد، همچنین تعداد اطلاعات نیز تأثیر زیادی بر کیفیت طبقه‌بندی دارد، به عبارت دیگر هر چه تعداد اطلاعات بیشتر باشد و بهتر هدف را توجیه نماید، رتبه‌بندی دقیق‌تر خواهد بود.

در این روش ابتدا، ماتریس اطلاعات، که سطرهای آن بیانگر مناطق و ستون‌های آن شاخص‌ها هستند، از طریق نرمال‌سازی، از هر گونه مقیاس خالی می‌شود. به طوری که میانگین هر ستون ۰ و انحراف معیار آن ۱ باشد. سپس ماتریس فواصل ایجاد می‌شود. ماتریس فواصل این خصوصیات را دارد که اولاً قرینه و قطر اصلی آن صفر است. عضوهای این ماتریس، فاصله ترکیبی هر منطقه از منطقه دیگر را نشان می‌دهد. در گام بعدی سرمشق توسعه محاسبه می‌شود. هر چه این مقدار بزرگ‌تر باشد، فاصله آن منطقه تا منطقه ایده‌آل بیشتر است. در پایان، اندازه توسعه‌یافتگی یا درجه اولویت منطقه استخراج می‌شود. هر قدر این اندازه به صفر نزدیک‌تر باشد، اولویت بالاتر و هر قدر به یک نزدیک‌تر باشد اولویت پایین‌تر است.

مراحل مختلف تحلیل تاکسونومی در ۸ مرحله به شرح زیر قابل ارائه است:

۱- مشخص نمودن گزینه‌ها و تعیین شاخص‌های مختلف:

در این مرحله تعداد m گزینه (A_1 تا A_m) با توجه به n شاخص (C_1 تا C_n) ارزیابی می‌شوند.

۲- تشکیل ماتریس تصمیم و سپس محاسبه میانگین و انحراف معیار:

در این مرحله، با توجه به تعداد شاخص‌ها، تعداد گزینه‌ها و ارزیابی همه گزینه‌ها برای شاخص‌های مختلف، ماتریس تصمیم تشکیل می‌شود. باید توجه نمود که شاخص‌هایی که منفی هستند باید معکوس شده و یا به روش‌های دیگر منفی بودن آن شاخص‌ها در نظر گرفته شود. یکی از روش‌های مرسوم و مناسب‌تر که مثبت و منفی بودن شاخص‌ها را لحاظ می‌کند، استفاده از رقم ایده‌آل مثبت و منفی است، بطوری که برای شاخص‌های مثبت بزرگ‌ترین عدد مثبت و برای شاخص‌های منفی بزرگ‌ترین عدد منفی برای هر ستون از ماتریس استاندارد به عنوان ایده‌آل مثبت و منفی تعیین می‌شوند. بعد از تشکیل ماتریس داده‌ها، میانگین و انحراف معیار هر شاخص محاسبه می‌شود.

۳- تشکیل ماتریس استاندارد (نرمال شده) Z :

در ماتریس تصمیم، گزینه‌ها بر حسب شاخص‌هایی بیان می‌شوند که مقیاس‌های اندازه‌گیری متفاوتی دارند، برای از بین بردن واحدهای مختلف از رابطه Z استاندارد استفاده می‌شود. ماتریس استاندارد برای هر کدام از شاخص‌های مثبت، بزرگ‌ترین عدد مثبت قابل مشاهده (ایده‌آل مثبت) و برای شاخص‌های منفی، بزرگ‌ترین عدد منفی (ایده‌آل منفی) تعیین می‌شود که با DO_j نمایش داده می‌شود.

۴- تعیین فاصله مرکب بین گزینه‌ها:

در این مرحله، بعد از تعیین ماتریس استاندارد Z ، فاصله هر گزینه از گزینه‌های دیگر

نسبت به هر یک از شاخص‌ها از رابطه زیر تعیین خواهد شد:

$$D_{ab} = \sqrt{\sum_{j=1}^m (Z_{aj} - Z_{bj})^2}$$

a و b دو گزینه مورد ارزیابی هستند. این عملیات یک نوع محاسبه زوجی بین هر دو گزینه با هم است. به گونه‌ای که فاصله هر دو گزینه از خودش برابر صفر است ($D_{aa} = D_{bb} = 0$) و فاصله گزینه a و b مساوی با فاصله گزینه b از a است ($D_{ab} = D_{ba}$). با توجه به موارد فوق ماتریس فواصل مرکب بین گزینه‌ها تشکیل می‌شود که قطر اصلی آن نشان‌دهنده فاصله هر گزینه با خودش است که برابر صفر خواهد بود.

۵- تعیین کوتاه‌ترین فاصله:

در این مرحله، کمترین میزان فاصله هر سطر از ماتریس تعیین می‌شود. سپس میانگین هر کدام از فاصله گزینه‌ها و انحراف معیار آنها به دست آمده و همین کار برای کوتاه‌ترین فاصله نیز انجام می‌شود.

۶- همگن سازی گزینه‌ها:

ممکن است واحدهایی وجود داشته باشند که دارای فاصله‌های بسیار بیشتر و یا کمتر از سایر گزینه‌ها باشد. لذا باید گزینه‌های ناهمگن از مجموعه حذف شوند، برای انجام این کار حد بالا و حد پایین با استفاده از روابط زیر به دست می‌آیند.

$$O_r = \bar{d}_r \pm 2\sigma_{dr}$$

در این صورت d_r های بین حد بالا و حد پایین هماهنگ بوده و گزینه‌هایی که خارج از این محدوده تعیین شده قرار بگیرند، باید حذف شوند. مجدداً ماتریس تصمیم بدون گزینه‌های حذف شده تشکیل شده، مراحل تکرار می‌شوند.

۷- تعیین الگو یا سرمشق گزینه‌ها:

در این گام فاصله هر یک از گزینه‌ها از مقدار ایده آل را به دست آورده، فاصله کمتر از ایده آل نشان‌دهنده وضعیت مناسب و فاصله بیشتر بیان‌کننده وضعیت نامناسب آن گزینه می‌باشد. الگو یا سرمشق گزینه‌ها از رابطه زیر به دست می‌آید:

$$C_{io} = \sqrt{\sum_{j=1}^m (Z_{ij} - Z_{bj})^2}$$

۸- درجه‌بندی یا رتبه‌بندی میزان توسعه‌یافتگی گزینه‌ها (F_i):

در این مرحله به درجه‌بندی توسعه‌یافتگی و وضعیت گزینه‌ها پرداخته می‌شود. اگر

F_i میزان توسعه‌یافتگی یک گزینه (وضعیت مناسب یک گزینه) باشد در این صورت:

$$F_i = \frac{C_{io}}{C_o}$$

در این رابطه، C_{io} سرمشق هر گزینه و C_o حد بالای توسعه می‌باشد. برای محاسبه

C_o باید میانگین و انحراف C_o ها مشخص شود که این کار در انتهای مرحله هفت انجام

می‌گیرد و محاسبه آن به صورت زیر است:

$$C_o = \overline{C_{io}} + 2\sigma_{C_{io}}$$

F_i بین صفر و یک قرار می‌گیرد و هر قدر به صفر نزدیک باشد نشان‌دهنده

توسعه‌یافتگی بیشتر گزینه (قرار گرفتن در رتبه بالاتر) و هر چه به یک نزدیک‌تر می‌گردد

بیانگر عدم توسعه‌یافتگی آن می‌باشد. در این صورت مسئله تاکسونومی پایان یافته و

درجه‌بندی (رتبه‌بندی) گزینه‌های آن مشخص شده است.

به‌طور خلاصه در این روش اعداد مربوط به شاخص‌های توسعه استان‌ها با رعایت

مفروضات ترکیب شده و یک عدد مشخص به دست می‌آید. این عدد که مبتنی بر سرانه

مؤلفه‌های توسعه است بر اساس جمعیت محاسبه شده تا هر استان در مرتبه توسعه‌یافتگی

قابل مقایسه باشد. روش‌های ریاضی در راستای تأمین مقیاس معتبر برای تفاوت‌های

اجتماعی هر استان به کار گرفته می‌شود و امکان رتبه‌بندی و قیاس را فراهم می‌آورد. اعتبار

این روش بر استفاده از داده‌های رسمی و رعایت مفروضات شاخص سازی و عملیات

آماري استوار است. پایایی در این روش موضوعیت ندارد. تاکسونومی در نرم‌افزارهای

مختلف قابل اجراست؛ در این تحقیق از نرم‌افزار اکسل برای این هدف استفاده شده است.

یافته‌ها

پژوهش حاضر یک تحقیق توصیفی-تحلیلی است که با به‌کارگیری روش تاکسونومی عددی استان‌های مختلف را به لحاظ سطح توسعه درجه‌بندی کرده و سپس میزان اعتبار اختصاص یافته به هر استان در قانون بودجه سال ۱۳۹۹ را محاسبه و بررسی می‌نماید که آیا اعتبارات به صورت کارا و در جهت رفع توسعه‌نیافتگی میان استان‌ها توزیع شده است یا سیاست‌های دولت در زمینه توزیع منابع، ناکارا و تشدیدکننده توسعه نامتوازن است. روش گردآوری داده‌ها به صورت کتابخانه‌ای است. داده‌های مورد نیاز شاخص‌های توسعه، از آخرین آمار در دسترس مربوط به شاخص‌های مذکور، منتشرشده توسط مرکز آمار ایران در سال ۱۳۹۹ و همچنین داده‌های مربوط به اعتبارات استان‌ها از جداول ۱۰ و ۱۰-۱ ماده واحده قانون بودجه سال ۱۳۹۹ استخراج گردیده است.

شاخص‌ها

یکی از مهم‌ترین محدودیت‌های به‌کارگیری شاخص‌های متنوع برای رتبه‌بندی سطح توسعه استان‌ها آن است که شاخص‌ها به‌طور معمول واحدهای اندازه‌گیری متفاوتی دارند، استفاده از روش تاکسونومی عددی یکی از مناسب‌ترین و بهترین روش‌های موجود برای رفع محدودیت مذکور می‌باشد. در این مقاله از شاخص‌های اجتماعی، اقتصادی، بهداشتی و درمانی، آموزشی و فرهنگی، زیربنایی استفاده شد، سپس شاخص توسعه هر استان محاسبه و رتبه آن استان گزارش شده است. نحوه انتخاب داده‌ها و شاخص‌های مورد نیاز برای تعیین رتبه توسعه‌ای مناطق مختلف نیز با استفاده از مبانی نظری موجود در این رابطه می‌باشد.

شاخص‌های توسعه

واژه توسعه اقتصادی را می‌توان یک مفهوم به‌طور نسبی جدید در علم اقتصاد نامید. تا قبل از دهه ۱۹۵۰ میلادی واژه رشد اقتصادی بیشتر مورد تأکید اقتصاددانان بود که عبارت است

از افزایش سالانه و مستمر درآمد سرانه یک کشور در یک دوره طولانی، لیکن از دهه ۵۰ میلادی به بعد ادبیات توسعه اقتصادی وارد علم اقتصاد گردید که به رشد همراه با تغییر به ویژه تغییر در ارزش‌ها و نهادها تأکید دارد.

در خصوص توسعه اجتماعی اولین سند تاریخی، مربوط به گزارش سال ۱۹۵۴ سازمان ملل متحد می‌باشد، شاخص‌های این گزارش عبارت‌اند از: ۱- بهداشت ۲- غذا و تغذیه ۳- آموزش و پرورش، شامل مواد و مهارت‌آموزی ۴- شرایط کار ۵- وضعیت اشتغال ۶- مصرف کل پس‌اندازها ۷- حمل‌ونقل ۸- مسکن ۹- پوشاک ۱۰- تفریح و استراحت ۱۱- امنیت اجتماعی ۱۲- آزادی‌های بشری (فاضلی، ۱۳۹۲).

مرکز سیستم پایدار دانشگاه میشیگان^۱ شاخص‌های زیر که بسیاری از آنها برای سنجش پیشرفت به سوی اهداف توسعه هزاره مورد استفاده قرار می‌گیرد را به عنوان شاخص‌های توسعه اجتماعی معرفی می‌کند. این شاخص‌ها عبارت‌اند از: ۱- شاخص‌های جمعیتی (مقدار جمعیت، رشد جمعیت، مرگ مادران و امید به زندگی در بدو تولد) ۲- استانداردهای زندگی (خط فقر و توزیع عادلانه درآمد) ۳- غذا، مقدار درآمد متوسط مصرف‌شده برای غذا، نوشیدنی و دخانیات ۴- آب و فاضلاب به تفکیک شهر و روستا ۵- بیماری و مراقبت سلامت ۶- آموزش و اشتغال ۷- محیط‌زیست (همان).

با در نظر گرفتن مبانی نظری مربوط به شاخص‌ها و همچنین اطلاعات آماری موجود، سعی شد شاخص‌های مربوطه به گونه‌ای انتخاب شود تا مفاهیم موجود در این زمینه را به نحو مطلوبی پوشش دهد. شاخص‌های توسعه به کار رفته در این تحقیق عبارت‌اند از:

شاخص‌های اقتصادی: متوسط درآمد سالانه یک خانوار شهری (هزار ریال)، متوسط درآمد سالانه یک خانوار روستایی (هزار ریال)، نرخ تورم، ضریب جینی در مناطق شهری، ضریب جینی در مناطق روستایی، سرانه سرمایه‌گذاری خارجی (هزار دلار).

شاخص‌های جمعیتی: نرخ باسوادی زنان به مردان، نرخ بیکاری، درصد شهرنشینی، نرخ مشارکت اقتصادی.

شاخص‌های بهداشتی و درمانی: نسبت تعداد تخت‌های فعال بخش‌های بیمارستانی به جمعیت (تعداد به ده هزار نفر)، نسبت تعداد خانه‌های بهداشت فعال روستاها به جمعیت روستایی (تعداد به ده هزار نفر)، ضریب نفوذ بیمه درمان، ضریب نفوذ بیمه تامین اجتماعی. **شاخص‌های آموزشی و فرهنگی:** نسبت دانش‌آموز به معلم در استان، نسبت تعداد دانشجویان آموزش عالی (تعداد به هزار نفر)، نسبت تعداد دانش‌آموختگان دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی به جمعیت (تعداد به هزار نفر)، نسبت تعداد سینما به جمعیت (تعداد به ازای یک میلیون نفر)، توزیع کتابخانه‌های عمومی در سطح استان (تعداد در هزار کیلومتر مربع).

شاخص‌های زیربنایی: ضریب نفوذ تلفن همراه (درصد)، نسبت شهرهای گازرسانی شده به کل شهرهای استان (درصد)، نسبت روستاهای گازرسانی شده به کل روستاهای کشور (درصد)، نسبت جمعیت تحت پوشش شبکه آب شهری (درصد)، سهم جمعیت تحت پوشش فاضلاب شهری از کل جمعیت شهری (درصد)، سهم جمعیت روستایی بالای ۲۰ خانوار بهره‌مند از آب آشامیدنی سالم (درصد)، تراکم راه‌های تحت حوزه استحفاظی وزارت راه به مساحت استان (کیلومتر به صد کیلومتر مربع).

پس از استخراج ارقام مربوط به شاخص‌های مذکور برای هر استان (مرکز آمار ایران)، شاخص توسعه به روش تاکسونومی عددی محاسبه شد. در این روش هر استانی که شاخص توسعه محاسبه شده برای آن کوچک‌تر باشد از درجه توسعه‌یافتگی بالاتری برخوردار است، به‌عنوان مثال، شاخص توسعه محاسبه شده برای استان تهران برابر ۰/۷۶۹ (کوچک‌ترین) و برای استان سیستان و بلوچستان برابر ۱/۱۷۳ (بزرگ‌ترین) می‌باشد که بر این اساس مطابق پژوهش حاضر استان تهران توسعه‌یافته‌ترین و استان سیستان و بلوچستان توسعه‌نیافته‌ترین استان کشور هستند.

جدول شماره ۲ نتایج بدست آمده از این پژوهش را بیان می‌نماید. ستون اول نام هر استان و ستون‌های دوم و سوم جدول مذکور به ترتیب شاخص توسعه و رتبه توسعه هر استان را نشان می‌دهند. اعتبارات دولتی پیش‌بینی شده در قانون بودجه کشور در سال ۱۳۹۹ برای هر استان (شامل اعتبارات هزینه‌ای، تملک دارایی سرمایه‌ای و اعتبارات موضوع قانون استفاده متوازن از امکانات کشور) گردآوری شد، سپس جمع کل اعتبارات دولتی متعلق به هر استان محاسبه شده و بر جمعیت کل استان تقسیم گردید تا سرانه اعتباری هر استان بدست آید. این سرانه (سرانه اعتبارات دولتی هر استان) در ستون چهارم جدول گزارش شده است که نشان می‌دهد، هر فرد در یک استان در این سال، از چه میزان اعتبارات دولتی بهره‌مند می‌شود. در ستون پنجم رتبه هر استان بر اساس میزان سرانه دولتی دریافتی محاسبه گردید.

ستون ششم (آخر) رتبه استحقاقی هر استان بر اساس میزان توسعه‌نیافتگی آن استان را نشان می‌دهد. به‌عنوان مثال اطلاعات مندرج در جدول نشان می‌دهد، سرانه اعتبارات دولتی پیش‌بینی شده در سال ۱۳۹۹ برای هر فرد، در استان سیستان بلوچستان، تقریباً معادل ۸ میلیون ریال است (ستون چهارم). بر این اساس در مقایسه با سرانه‌های پرداختی به سایر استان‌ها رتبه این استان ششم می‌باشد (ستون پنجم). از آنجایی که استان مذکور در شاخص توسعه‌یافتگی رتبه آخر یا ۳۱ ام را به خود اختصاص داده است، بنابراین اگر اعتبارات دولتی بر اساس میزان توسعه‌نیافتگی و به منظور رفع توسعه نامتوازن بین استان‌ها توزیع می‌گردید، این استان استحقاق دریافت بالاترین اعتبار سرانه دولتی در کشور را داشت. به عبارتی رتبه استحقاقی استان سیستان و بلوچستان در دریافت اعتبارات دولتی به صورت سرانه باید رتبه ۱ باشد (رتبه استحقاقی ستون ششم).

جدول ۲- رتبه‌های توسعه، سرانه اعتبارات دولتی و استحقاقی استان‌ها

رتبه استحقاقی سرانه اعتبارات دولتی (بر اساس درجه توسعه‌نیافتگی)	رتبه سرانه اعتبارات دولتی استان	سرانه اعتبارات دولتی هر استان (هزار ریال)	رتبه توسعه	شاخص توسعه استان (روش تاکسونومی)	نام استان
۲۱	۲۶	۳۸۷۴	۱۱	۰.۷۶۴	آذربایجان شرقی
۹	۲۱	۵۱۷۷	۲۳	۰.۸۴۱	آذربایجان غربی
۲۵	۱۴	۶۴۸۴	۷	۰.۷۳۹	اردبیل
۲۳	۲۹	۳۰۴۳	۹	۰.۷۵۹	اصفهان
۱۶	۳۰	۲۶۱۴	۱۶	۰.۷۸۹	البرز
۱۳	۱	۱۳۷۸۲	۱۹	۰.۸۰۵	ایلام
۱۵	۵	۸۵۱۵	۱۷	۰.۷۹۸	بوشهر
۳۱	۳۱	۱۲۸۰	۱	۰.۶۶۸	تهران
۱۱	۱۱	۷۰۶۴	۲۱	۰.۸۲۲	چهارمحال و بختیاری
۱۷	۳	۱۱۲۹۴	۱۵	۰.۷۷۹	خراسان جنوبی
۱۰	۲۸	۳۰۴۴	۲۲	۰.۸۳۸	خراسان رضوی
۵	۴	۹۳۳۲	۲۷	۰.۸۷۹	خراسان شمالی
۱۸	۱۵	۶۳۲۹	۱۴	۰.۷۷۲	خوزستان
۲۲	۱۶	۶۲۰۶	۱۰	۰.۷۶۳	زنجان
۲۴	۷	۸۰۱۵	۸	۰.۷۵۳	سمنان
۱	۶	۸۳۶۱	۳۱	۱.۱۷۳	سیستان و بلوچستان
۱۴	۲۵	۴۷۹۵	۱۸	۰.۸۰۳	فارس
۲۸	۲۴	۴۸۶۳	۴	۰.۶۹۹	قزوین
۶	۲۷	۳۷۵۶	۲۶	۰.۸۷۱	قم
۸	۹	۷۸۶۷	۲۴	۰.۸۴۲	کردستان
۳	۱۲	۶۷۴۴	۲۹	۰.۹۱۲	کرمان

منبع: محاسبات نویسندگان

نتایج برآمده از پژوهش حاضر که در جدول شماره (۱) انعکاس یافته است حاکی از آن است که ۴ استان توسعه یافته کشور (با شاخص توسعه کمتر ۰/۷) به ترتیب عبارت‌اند از تهران، گیلان، مازندران و قزوین. سه استان محروم کشور (با شاخص توسعه بزرگ‌تر از ۰/۹) نیز به ترتیب عبارت‌اند از سیستان و بلوچستان، هرمزگان و کرمان.

رتبه استحقاقی سرانه اعتبارات دولتی (بر اساس درجه توسعه‌نیافتگی)	رتبه سرانه اعتبارات دولتی استان	سرانه دولتی اعتبارات هر استان (هزار ریال)	رتبه توسعه	شاخص توسعه استان روش تاکسونومی)	نام استان
۱۲	۱۳	۶۵۸۱	۲۰	۰.۸۱۹	کرمانشاه
۲۰	۲	۱۳۱۷۳	۱۲	۰.۷۶۵	کهگیلویه و بویراحمد
۴	۱۹	۵۷۴۵	۲۸	۰.۸۸۵	گلستان
۳۰	۱۸	۵۷۷۳	۲	۰.۶۷۱	گیلان
۷	۸	۷۹۳۹	۲۵	۰.۸۶۲	لرستان
۲۹	۲۰	۵۳۹۵	۳	۰.۶۸۹	مازندران
۲۶	۲۲	۵۱۴۹	۶	۰.۷۳۳	مرکزی
۲	۱۰	۷۲۲۷	۳۰	۰.۹۶۲	هرمزگان
۱۹	۲۳	۴۹۸۱	۱۳	۰.۷۷۲	همدان
۲۷	۱۷	۶۱۶۸	۵	۰.۷۲۱	یزد

نگاهی به توزیع سرانه اعتبارات دولتی و رتبه آن در سه استان محروم‌تر کشور نشان می‌دهد، هر سه استان رتبه سرانه اعتباریشان (دولتی) کمتر از رتبه استحقاقی‌شان برای دریافت اعتبارات دولتی می‌باشد. رتبه سرانه اعتبارات دولتی برای سه استان محروم سیستان و بلوچستان، هرمزگان و کرمان به ترتیب ۶، ۱۰ و ۱۲ می‌باشد در حالی که با توجه به وجود بیشترین محرومیت در این استان‌ها، دولت باید بالاترین اعتبارات سرانه دولتی را به این استان‌ها اختصاص می‌داد. به عبارتی این استان‌ها استحقاق دریافت رتبه‌های ۱، ۲ و ۳ از اعتبارات سرانه دولتی را داشته‌اند.

رتبه پایین توسعه در این استان‌ها که برآمده از شاخص‌های ضعیف اقتصادی، اجتماعی، زیربنایی و فرهنگی می‌باشد، در واقع منعکس‌کننده این واقعیت است که اگر دولت قصد دارد به این عدم ناهمگونی توسعه پایان دهد، بایستی اعتبارات را به شکلی عادلانه توزیع نماید. گرچه توزیع عادلانه اعتبارات اولین گام در جهت توسعه متوازن بوده و اولویت‌بندی اعتبارات و نظارت بر آن، برای هزینه در زیرساخت‌های اولویت‌دار، گام‌های مهم‌تری برای رفع توسعه نامتوازن می‌باشند.

سه استان محروم کشور در بسیاری جهات شباهت‌هایی به یکدیگر دارند، این شباهت‌ها عبارت‌اند از: خشکی و کم‌روتن بودن کشاورزی در این استان‌ها، بافت قومی-قبیله‌ای ساکنان، محرومیت‌های بهداشتی و زیرساختی، کیفیت پایین نیروی انسانی، دوری از مرکز کشور و عوامل امنیتی از قبیل قاچاق مواد مخدر، تنش‌های مذهبی، اعتیاد و حاشیه‌نشینی. شاخص‌های زیربنایی و اقتصادی این سه استان، شامل جمعیت شهری و روستایی تحت پوشش شبکه گاز، جمعیت شهری تحت پوشش شبکه آب و فاضلاب، جمعیت روستایی بهره‌مند از آب سالم و همچنین شاخص‌های بهداشتی، درمانی و جاده‌ای، جزء ضعیف‌ترین شاخص‌ها در میان سایر استان‌های کشور است.

در هر سه استان نرخ تورم و بیکاری بسیار بالاتر از میانگین کشوری است، همچنین نرخ بیکاری زنان در این سه استان بالا و نرخ باسوادی‌شان پایین است. هر سه استان با چالش‌های آبی و زیست‌محیطی نیز روبه‌رو هستند.

تحلیل اعتبارات چهار استان توسعه‌یافته‌تر کشور نشان می‌دهد، در تمامی این استان‌ها به جز استان تهران، رتبه سرانه اعتباریشان در دریافت اعتبارات دولتی، بیشتر از رتبه استحقاقی‌شان بوده است. به‌عنوان مثال استان‌های تهران، گیلان، مازندران و قزوین به علت دارا بودن رتبه‌های اول تا چهارم توسعه‌یافتگی در کشور، در صورت توزیع عادلانه اعتبارات، رتبه استحقاقی دریافت اعتباراتشان (بصورت سرانه) می‌بایست به ترتیب ۳۱، ۳۰، ۲۹ و ۲۸ باشد، در حالی که رتبه سرانه اعتبارات دولتی اختصاص‌یافته به این استان‌ها به ترتیب برابر ۳۱، ۱۸، ۲۰ و ۲۴ است.

به دیگر سخن به استثناء استان تهران سایر استان‌های توسعه یافته، رتبه سرانه اعتبارات دولتی در نظر گرفته شده برای آنان در بودجه کشور بیش از رتبه استحقاقی شان است، در حالی که برای چهار استان محروم عکس این موضوع صادق بوده و رتبه سرانه اعتبارات دولتی تعلق یافته به این استان‌ها پایین تر از رتبه استحقاقی آن‌ها می‌باشد. نتایج مندرج در جدول برای ده استان محروم تر کشور که بر اساس یافته‌های این پژوهش عبارت‌اند از سیستان و بلوچستان، هرمزگان، کرمان، گلستان، خراسان شمالی، قم، لرستان، کردستان، آذربایجان غربی و خراسان رضوی، نشان می‌دهد که تمامی این ده استان به استثناء خراسان شمالی، رتبه اعتباری شان در دریافت اعتبارات دولتی به صورت سرانه کمتر از رتبه استحقاقی شان برای دریافت این اعتبارات بوده است.

به عبارتی در ۹ استان محروم تر کشور نیز توزیع اعتبارات دولتی به صورت عادلانه انجام نشده است و استان‌های کم برخوردار یا محروم تر، اعتبارات کمتری (بصورت سرانه) در مقایسه با استان‌های توسعه یافته کشور، دریافت نموده‌اند. ده استان برخوردار و توسعه یافته تر کشور به ترتیب عبارت‌اند از؛ تهران، گیلان، مازندران، قزوین، یزد، مرکزی، اردبیل، سمنان، اصفهان و زنجان. یافته‌های پژوهش حاکی از آن است که به استثناء دو استان تهران و اصفهان، در هشت استان توسعه یافته تر کشور، رتبه سرانه اعتبارات دولتی در نظر گرفته شده برای این استان‌ها در بودجه کشور، بیش از رتبه استحقاقی آن‌ها می‌باشد، به عبارتی استان‌های برخوردار و توسعه یافته تر اعتبارات بیشتری نیز از دولت دریافت می‌کنند.

بنابراین با توجه به شواهد ارائه شده، می‌توان ادعا نمود دولت در مسیر درستی برای رفع تبعیض و برقراری عدالت اجتماعی و به تبع آن رفع عدم توازن توسعه در استان‌ها قرار ندارد. به دیگر سخن، دولت در توزیع اعتبارات بین استان‌ها در سال ۱۳۹۹ بصورت کارا و مؤثر عمل نمی‌کند و عواملی دیگر به جز شاخص‌های توسعه‌ای استان‌ها در تسهیم اعتبارات بین استان‌ها نقش دارند (مانند قدرت چانه‌زنی نمایندگان مجلس یا مدیران استانی). ادامه این روند ممکن است به تعمیق شکاف توسعه‌ای بین استان‌های کشور بینجامد.

مسئله مهم دیگر برای رفع تبعیض و توسعه متوازن نواحی مختلف کشور، توزیع اعتبارات بصورت کارا و عادلانه در بین شهرستان‌های یک استان است. به‌عنوان مثال استان کرمان سومین استان توسعه‌نیافته کشور است و درحالی‌که باید سومین رتبه دریافت اعتبارات دولتی را به خود اختصاص می‌داد (رتبه استحقاقی) با اختلاف زیاد دوازدهمین رتبه دریافتی اعتبارات دولتی را دارد. از طرفی اعتبارات دولتی اختصاص داده‌شده به این استان (هرچند کم و ناکافی) در خود استان نیز به صورت متوازن و کارا توزیع نمی‌گردد؛ به طوری که ۸۲ درصد سرمایه‌گذاری‌ها در نیمه شمالی استان کرمان انجام می‌شود و تنها ۱۸ درصد صرف جنوب کرمان می‌شود. این در حالی است که ۳۰ درصد بخش‌های جنوبی استان کرمان زیر پوشش کمیته امداد است و توزیع نامتوازن در امکانات و زیرساخت‌های بهداشتی و درمانی در شمال و جنوب این استان کاملاً مشهود است (مرکز بررسی‌های استراتژیک ریاست جمهوری، ۱۳۹۴: ۴-۵).

نتیجه‌گیری

تحقیق حاضر با استفاده از آخرین داده‌های استانی منتشرشده توسط مرکز آمار ایران (سال ۱۳۹۹) شاخص‌های اقتصادی، اجتماعی، بهداشتی و درمانی، زیربنایی و فرهنگی و آموزشی (۲۶ شاخص انتخابی) را گردآوری و سپس با استفاده از روش تاکسونومی عددی رتبه توسعه هر استان را محاسبه کرد. مطابق یافته‌های تحقیق ۴ استان تهران، گیلان، مازندران و قزوین به ترتیب توسعه‌یافته‌ترین و سه استان سیستان و بلوچستان، هرمزگان و کرمان به ترتیب توسعه‌نیافته‌ترین (محروم‌ترین) استان‌های کشور هستند.

سپس با استفاده از اطلاعات قانون بودجه سال ۱۳۹۹، کل اعتبار منظور شده در بودجه، برای هر استان محاسبه و بر جمعیت آن استان تقسیم گردید تا سرانه اعتبار دولتی اختصاص داده‌شده برای هر استان محاسبه شود. پس از محاسبه سرانه اعتبار دولتی منظور شده برای هر استان، رتبه سرانه اعتبارات دولتی هر استان تعیین شد. با توجه به رتبه توسعه‌یافتگی هر استان، رتبه استحقاقی آن استان برای دریافت اعتبارات دولتی به صورت

سرانه نیز مشخص گردید (استانی که رتبه توسعه آن ۳۱ یا آخر است برای کاهش شکاف توسعه‌ای میان استان‌ها استحقاق دریافت بیشترین اعتبار سرانه را دارد).

یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد، توزیع اعتبارات دولتی (مطابق تکلیف قانونی دولت در قانون برنامه) در سال مورد اشاره در راستای ارتقاء سطح مناطق کمتر توسعه یافته و کاهش توسعه نامتوازن نمی‌باشد، به نحوی که سرانه اعتبارات دولتی منظور شده در بودجه دولت برای ۹ استان از ۱۰ استان محروم کشور، کمتر از رتبه استحقاقشان برای دریافت این اعتبارات بوده است در حالی که رتبه سرانه اعتبارات دولتی دریافتی توسط هشت استان از ده استان توسعه یافته تر کشور، بیش از رتبه استحقاقی آن‌ها می‌باشد به عبارتی استان‌های برخوردار و توسعه یافته تر اعتبارات بیشتری نیز از دولت دریافت می‌کنند.

تحقیق حاضر ضمن تأیید وجود شکاف عمیق توسعه‌ای میان استان‌های کشور؛ تأکید می‌کند روش دولت در توزیع اعتبار میان استان‌های کشور (به شیوه توزیع شده در سال ۱۳۹۹) نه تنها به کاهش توسعه نامتوازن و رفع تبعیض میان استان‌های کشور منجر نخواهد شد بلکه به تعمیق شکاف توسعه‌ای میان مناطق مختلف کشور دامن خواهد زد.

شاخص‌های مورد بررسی در این تحقیق که سطح توسعه استان‌ها را ارزیابی می‌کند، مؤلفه‌های اقتصادی از جمله درآمد خانوار شهری و روستایی، نرخ تورم، بیکاری، ضریب جینی و سرانه سرمایه گذاری؛ شاخص‌های جمعیتی از جمله رشد جمعیت، نرخ بیکاری، نرخ شهرنشینی و نرخ مشارکت اقتصادی، همچنین شاخص‌های زیربنایی مانند آب، گاز، تلفن و راه ارتباطی در کنار شاخص‌های آموزش و بهداشت تصویر کاملی از وضعیت توسعه استان‌ها به دست می‌دهد.

از این منظر می‌توان گفت معیار جامعی برای توسعه استان‌ها فراهم آمده و می‌تواند مرجع تحلیل عدالت تخصیصی در بودجه سالانه استان‌ها باشد. با این همه تفکیک این شاخص‌ها و ارزیابی هر کدام در استان‌های مختلف می‌تواند اولویت تخصیص بودجه به یک بخش خاص را نیز تعیین کند. از این جهت توجه به توسعه پایدار متوازن در زیر بخش‌ها در هر استان از دیگر الزامات تخصیص بودجه در داخل استان‌هاست. توجه به

توسعه متوازن باید به‌مثابه فکری بنیانی در داخل استان به شهرها و در داخل شهرها نیز به زیربخش‌ها و شهر و روستا تسری داده شود.

یکی از تله‌های بودجه که باید در ایران مورد تأکید قرار گیرد اثر جمعیت در ایجاد انحراف سیستماتیک در توزیع بودجه است. معمولاً جمعیت بیشتر، بودجه بیشتری جذب می‌کند و همین مسئله به جذب جمعیت بیشتر منجر می‌شود و تخصیص عادلانه بودجه را به ضد خود بدل می‌کند. می‌توان گفت این وضعیت بخشی از نتایج ناخواسته تخصیص بودجه بر اساس جمعیت در کشور است که نیازمند تحلیل‌های جامعه‌شناختی و اقتصادی توانمند برای کنترل این پیامدهای پنهان است. تحلیل بودجه می‌تواند یک برنامه درسی یا رشته دانشگاهی مستقل باشد و هوشمندی و اصابت هدف بودجه را رصد و ارزیابی کند.

با این همه بودجه سرمایه‌ای تنها یکی از مؤلفه‌های توسعه متوازن مناطق است و در خود این مقوله نیز ملاحظات متعددی از جمله مطالعات اقتصادی و اجتماعی برای هزینه بودجه در زیرساخت‌ها و نظارت بر حسن اجرای آن طلب می‌کند که مختصات فرهنگی و اجتماعی از جمله نهادهای مدنی را نیز اقتضا می‌کند. مناسبات فوق از مفروضات اختصاص بودجه است اما خود تخصیص بر اساس سطح توسعه‌نیافتگی استان‌ها و نوع عقب‌ماندگی و بخش‌های ضروری‌تر برای تکمیل و توفیق این شرط ضروری است. همچنین عقب‌افتادگی برخی استان‌ها در بعضی شاخص‌های توسعه حتی نیازمند تبعیض مثبت برای جبران فاصله تاریخی هستند.

در ایران با وجود قوانین مشخص در توزیع درصد خاصی از درآمدهای دولت به این مناطق و همچنین قوانین بالادست بودجه سالانه، توزیع منابع بودجه بر اساس چانه‌زنی نمایندگان یا لابی افراد ذی‌نفع و ذی‌نفوذ در سطح دولت و گاه کمپین‌سازی اجتماعی و رسانه‌ای انجام می‌شود. توضیح و تشریح وضع موجود سمت‌وسوی بودجه و تشریح وضع مطلوب آن در سطح دانشگاه ضروری است تا رویکردی منسجم در این باره به سازمان‌های تصمیم‌ساز عرضه گردد.

پیشنهادها زیر به منظور توازن توسعه میان استان‌ها و کاهش شکاف میان نواحی مختلف کشور موارد ذیل قابل طرح است؛

- توزیع منابع بودجه در ایران بر اساس چانه‌زنی نمایندگان، لابی‌های محلی و افراد ذی‌نفوذ و ذی‌نفع انجام می‌شود. توسعه پایدار نیازمند توزیع بودجه بر اساس واقعیات عینی و انضمامی هر منطقه است که لزوماً منطبق بر مرزهای استانی نیست.

- عقب‌افتادگی برخی استان‌ها فاصله بسیار عمیقی بین آن‌ها و استان‌های برخوردار ایجاد کرده است. این مناطق نیازمند توجه ویژه و اعتبارات خاصی هستند که بر این شکاف فائق آیند. - اعتبارات دولتی، به گونه‌ای مؤثر و کارا و با هدف رفع تبعیض میان مناطق مختلف توزیع و تخصیص داده شوند.

- در توزیع اعتبارات دولتی، طرح‌های اولویت دار هر استان برای توسعه زیرساخت‌های اقتصادی، اجتماعی، بهداشتی و زیربنایی مشخص گردیده و در اولویت دریافت و تخصیص اعتبار قرار گیرند.

- نظارت دولت بر نحوه هزینه‌کرد اعتبارات تخصیص داده شده در استان‌ها افزایش یابد تا اهداف توسعه‌ای دولت در مناطق محروم با سرعت بیشتری تحقق یابند.

- تقویت مشارکت اقتصادی، اجتماعی، سیاسی در استان‌ها و به خصوص در استان‌های محروم‌تر.

- رفع تبعیض در سیاست‌گذاری، اجرا و تخصیص اعتبار به استان‌های کمتر توسعه‌یافته. - تمرکززدایی.

- در نظر گرفتن پتانسیل قومیت‌های مختلف و به کارگیری افراد توانمند بومی هر استان. - توسعه خطوط هوایی، جاده‌ای و ریلی کشور و تقویت زیرساخت‌های حمل‌ونقل با تأکید بر استان‌های کمتر توسعه‌یافته.

- حمایت و تشویق سرمایه‌گذاران داخلی و خارجی.

- ایجاد بسترهای فرهنگی و آموزشی به منظور تربیت نیروی انسانی کارا.

- آموزش، فرهنگ‌سازی و ایجاد بستر مناسب برای مشارکت اجتماعی و اقتصادی زنان.

منابع

- ایزدخواستی، حجت. (۱۳۹۸)، «تحلیل الگوی تخصیص اعتبارات سرمایه‌ای استانی در ایران: رویکرد کارایی محور و برابری محور»، *مطالعات و سیاست‌های اقتصادی*. دوره ۶، شماره ۱: ۱۳۱-۱۵۴.
- خسروی، انور. (۱۳۷۶)، تعیین نابرابری‌های صنعتی میان استان‌های کشور در سه مقطع ۱۳۵۳، ۱۳۶۳ و ۱۳۷۳، پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته اقتصاد، دانشگاه آزاد، واحد علوم و تحقیقات.
- رحمانی فضلی، هادی و عرب‌مازار، عباس. (۱۳۹۵)، «توزیع بهینه منابع بودجه استانی بر پایه یک مدل کنترل بهینه»، *فصلنامه پژوهش‌ها و سیاست‌های اقتصادی*. شماره ۷: ۷-۲۸.
- شاداب‌فر، الهام؛ امرایی، علی و بازگیر، مهدی. (۱۳۹۸)، «بررسی رابطه تعادل منطقه‌ای در توزیع اعتبارات عمرانی دولت با متغیرهای کلان اقتصادی استان‌های کشور». *مجله اقتصادی*، شماره ۹ و ۱۰: ۱۴۷-۱۸۲.
- ضرابی، اصغر و شاه‌یوندی، احمد. (۱۳۸۹)، «تحلیلی بر پراکنندگی شاخص‌های توسعه اقتصادی در استان‌های ایران»، *مجله جغرافیا و برنامه‌ریزی محیطی*، شماره ۳۸: ۱۷-۳۲.
- فاضلی، محمد؛ فتاحی؛ سجاد و رفیعی، نسترن. (۲۰۱۳)، «توسعه اجتماعی، شاخص‌ها و جایگاه ایران در جهان»، *مطالعات توسعه اجتماعی فرهنگی*، دوره ۲، شماره ۱: ۵۹-۱۸۲.
- فتح‌الهی، جمال؛ کفیلی، وحید و تقی‌زادگان، علیرضا. (۱۳۹۶)، «شکاف توسعه استان‌های ایران»، *پژوهش‌های اقتصاد توسعه و برنامه‌ریزی*، دوره ۵، شماره ۲: ۹۹-۱۱۷.
- فرهادی، محمد و کاظمی، علی. (۱۳۹۲)، «توسعه اقتصادی-اجتماعی، قومیت و مشارکت سیاسی». *مطالعات و تحقیقات اجتماعی در ایران*، دور دوم، شماره ۴: ۵۷۱-۵۹۷.
- فکوهی، ناصر (۱۳۸۴)، «سازوکار تبعیض مثبت به‌مثابه ابزار محرومیت‌زدایی». *زن در توسعه و سیاست (پژوهش زنان سابق)*، دوره ۳، شماره ۳: ۱۱۵-۱۴۱.
- مجلس شورای اسلامی. (۱۳۸۹)، *قانون برنامه پنج‌ساله پنجم توسعه جمهوری اسلامی ایران* (<https://rc.majlis.ir/fa/law/show/790196>). (۱۳۹۰-۱۳۹۴)

رابطه بودجه دولتی و توسعه اقتصادی...، فرهادی و میری | ۲۰۳

- مجلس شورای اسلامی. (۱۳۹۳)، قانون استفاده متوازن از امکانات کشور و توزیع عادلانه و رفع تبعیض و ارتقای سطح مناطق کمتر توسعه یافته و تحقق پیشرفت و عدالت. <https://rc.majlis.ir/fa/law/show/912945>
- مجلس شورای اسلامی. (۱۳۹۶)، قانون احکام دائمی برنامه‌های توسعه کشور. <https://rc.majlis.ir/fa/law/show/1014070>
- مرکز آمار ایران. (۱۳۹۹)، سالنامه آماری سال ۱۳۹۹. www.amar.org.ir
- مرکز بررسی‌های استراتژیک ریاست جمهوری. (۱۳۹۵)، مسئله شناسی راهبردی در استان کردستان، معاونت ریاست جمهوری اسلامی ایران.

- Castells, Antoni, & Solé-Ollé, Albert. (2005). "The Regional Allocation of Infrastructure Investment: The Role of Equity, Efficiency and Political Factors". *European Economic Review*, 49(5), 1165-1205.
- Calves, Gwenaële. (2004). *La Discrimination Positive*. Paris: PUF.
- Furtado, Celso. (2020). *The Myth of Economic Development*. Trns Jordan B. Jones. Cambridge: Polity Press.
- Kamada, Kimiyoshi; Okuno, Nobuhiro & Futagami, Ritsuko. (2010). "Decisions on Regional Allocation of Public Investment: the Case of Japan". *Applied Economics Letters*, 5(8). 503-506. <https://doi.org/10.1080/135048598354438>
- Pike, Andy; Rodriguez-pose, Andres; Tomaney, John. (2006). *Local and Regional Development*. London: Routledge.
- Shankar, Raja & Shah, Anwar. (2013). "Lessons from European Union Policies for Regional Development. Worldbank"; *Policy Research Working Papers*. <https://doi.org/10.1596/1813-9450-4977>
- Solé-Ollé, Albert. (2013). "Inter-Regional Redistribution through Infrastructure Investment: Tactical or Programmatic?". *Public Choice*, 156, 229-252. <https://doi.org/10.1007/s11127-011-9896-6>

استناد به این مقاله: فرهادی، محمد و میری، ندا. (۱۴۰۲). رابطه بودجه دولتی و توسعه اقتصادی-اجتماعی استان‌های کشور، فصلنامه برنامه ریزی رفاه و توسعه اجتماعی، ۱۴(۵۶)، ۱۷۳-۲۰۳.



Social Development and Welfare Planning Journal is licensed under a Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International License.